

تحلیل گفتمان خوشبختی طی دو دهه‌ی اخیر در ایران

رابعه علی، سعیده امینی، احمد غیاثوند

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۳۰

چکیده

در این پژوهش کوشیده‌ایم تا با استفاده از آراء اندیشمندانی چون ویلیام دیویس، سارا احمد و سام بینکلی در باب گسترش درک و تلقی جدیدی از خوشبختی و به روش تحلیل گفتمان فرکلاف، ویژگی‌های گفتمان خوشبختی در ایران را بررسی نماییم. از این رو، شماره‌های مختلف نشریه‌ی موفقیت در سی سال گذشته را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین مورد بررسی قرار دادیم. در سطح توصیف، دریافتیم که واژگان و مفاهیم پرکاربردی مانند «خوشبختی»، «موفقیت»، «استرس»، «آرامش» و مانند آن در دو دسته‌ی مثبت/منفی به کار می‌روند. همچنین از استعاره‌هایی چون «راز»، «گام»، «راه» و مانند آن در این متون که ساختی یک‌طرفه و موعظه‌گون دارند، استفاده می‌شود. در سطح تفسیر، به این نتیجه رسیدیم که انسان در این گفتمان به ذهن و انرژی، فروکاسته شده و نسبت میان او و جهان از خلال ترکیب منحصربه‌فردی از گفتمان‌های علمی مانند روانشناسی و فیزیک همراه با رویکردی شبه دینی - عرفانی توضیح داده می‌شود. در سطح تبیین نیز، گسترش اقتصاد مبتنی بر بازار و رشد طبقه‌ی متوسط از یک سو و عالم-گیرشدن مدرنیته و به تبع آن پیدایی «خود» در معنای مدرن آن و «نظام‌های تخصصی» را به عنوان علل اصلی رواج این گفتمان در ایران یافتیم.

واژگان کلیدی: موفقیت، صنعت خوشبختی، بازاندیشی، تحلیل گفتمان.

طرح مسأله

خوشبختی و راه‌های رسیدن به آن، از دغدغه‌های اصلی انسان‌ها در قرون متمادی بوده است. با این حال به اقتضای شرایط حاکم بر هر عصری، دلالت‌های این مفهوم و شیوه‌های جستجوی آن، گوناگون و متفاوت بوده‌اند. تا پیش از عصر روشنگری، خوشبختی بیشتر به‌مثابه مفهومی در چارچوب نظام‌های فکری - عقیدتی فلسفی و دینی در نظر گرفته شده و به‌مثابه امری درونی و غیرقابل‌سنجش نگریسته می‌شد. در این دوران و در اندیشه‌ی دینی، حصول خوشبختی با جستجوی سعادت اخروی پیوندی استوار داشت. همچنین نزد فلاسفه‌ای چون افلاطون و ارسطو، سعادت، ارتباط وثیقی با کسب فضایل اخلاقی و رسیدن به خیر اعلی داشت. ولی از عصر روشنگری به بعد، به‌ویژه در نظریات فایده‌گرایان، مفهوم خوشبختی رنگ و بویی مادی و این‌جهانی به خود گرفت. در قرون هجدهم و نوزدهم، فیلسوفانی نظیر بنتام و جان استوارت میل تحت تأثیر علوم طبیعی، تلاش نمودند تا خوشبختی را به مفهومی تجربی و قابل بررسی علمی بدل نمایند.

اما در دهه‌های اخیر، به‌ویژه از ربع آخر قرن بیستم، شاهد شکل‌گیری و گسترش نگاه جدیدی به مقوله‌ی خوشبختی هستیم. این نگاه و تلقی جدید از خوشبختی به‌ویژه در ظهور شاخه‌ای جدید در رشته‌ی روان‌شناسی نمود می‌یابد که از آن به‌عنوان روان‌شناسی مثبت‌گرا^۱ یاد می‌شود. روان‌شناسی مثبت‌گرا رویکردی جدید در روان‌شناسی است که در اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی توسط گروهی از روان‌شناسان به رهبری مارتین سلیگمن^۲ روان‌شناس سرشناس آمریکایی مطرح گردید. برخلاف رویکرد سنتی، در این رویکرد، روان‌شناسی تنها به‌عنوان علمی برای درمان اختلالات روانی در نظر گرفته نمی‌شود بلکه روان‌شناسان مثبت‌گرا بر این باورند که می‌توانند با روش‌های کاملاً علمی، فرد را برای رسیدن به خوشبختی راهنمایی نمایند.

هرچند روان‌شناسی مثبت‌گرا به‌عنوان مجموعه دانشی نظام‌مند و علمی، نمود بارز تلقی جدید از خوشبختی است و این رشته به گسترش طیف وسیعی از فرهنگ‌های درمانی جدید و تقویت سویی علمی کتاب‌های خودیاری، یاری‌رساننده است، اما ردپای چنین نگاه و رویکردی به خوشبختی را می‌توان تا پیش از ایجاد این رشته‌ی دانشگاهی، و در سخنرانی‌ها و کتاب‌های خودیاری و موفقیت‌جویی که از ربع آخر قرن بیستم ظهور پیدا

1. positive psychology

2. Martin Seligman

کردند، دنبال کرد. در واقع آنچه اصول روان‌شناسی مثبت‌گرا می‌خوانند، بسیار فراتر از یک‌رشته‌ی دانشگاهی بسط و گسترش پیدا کرده است و با تغییرات و دخل و تصرف‌هایی که به آن جنبه‌ی عمومی‌تر و کاربردی‌تر می‌دهند، به فرهنگی همگانی، عامه‌پسند و فراگیر تبدیل شده است که به اندیشه‌ها، آرزوها، امیال و کردارهای انسان‌ها شکل می‌دهد. گواه این امر، فروش بسیار بالای کتاب‌های موفقیت، خوشبختی و خودیاری در سراسر جهان است. در کارگاه‌ها، سمینارها و سخنرانی‌هایی هم که در زمینه‌ی خوشبختی و موفقیت‌جویی برگزار می‌شوند و شمار آن‌ها از اندازه بیرون است، به اصطلاح جا برای سوزن‌انداختن نیست.

در سال‌ها و حتی دهه‌های اخیر، در ایران هم شاهد ظهور و گسترش نفوذ این گفتمان هستیم. چاپ نشریه‌ی «موفقیت» از اواخر دهه‌ی هفتاد در ایران و نیز تداوم انتشار آن بالغ بر بیست سال، گواهی بر این ادعاست. از سوی دیگر کتاب‌هایی که در حال حاضر پیرامون موفقیت، خوشبختی، روان‌شناسی مثبت‌گرا و مانند آن در ایران به چاپ می‌رسند، به گواهی سایت‌های فروش کتاب از جمله فیدیبو و طاقچه، در دو دهه‌ی گذشته همواره در فهرست پرفروش‌ترین کتاب‌ها در ایران بوده‌اند (به‌عنوان نمونه بنگرید به: Mohebbi, 2020 و Alitalab, 2019). نگاهی گذرا به شبکه‌های اجتماعی هم نشان می‌دهد که روان‌شناسی مثبت‌گرا و گفتمانی که بر مبنای آموزه‌های آن پیرامون مفهوم خوشبختی شکل گرفته تا چه اندازه در ایران مورد استقبال واقع گردیده است. برای مثال دکتر احمد حلت از افراد صاحب‌نام در این حوزه و صاحب مجله‌ی موفقیت در صفحه‌ی اینستاگرام خود، یک میلیون نفر دنبال کننده دارد. تعداد دنبال‌کنندگان صفحه‌ی دکتر محمود انوشه، صاحب مجله‌ی رازهای روان‌شناسی و هم‌چنین صفحه‌ی دکتر آزمندیان از دیگر افراد سرشناس در این حوزه نیز، بالغ بر یک میلیون نفر است. هم‌چنین می‌توان به شرکت‌های زیادی از افراد در سمینارها، همایش‌ها و کارگاه‌هایی اشاره کرد که مضمون و شعار اصلی آن‌ها خوشبختی فردی و راه‌های رسیدن به آن است. در حقیقت برگزارکنندگان این کارگاه‌ها که در متون مرتبط با روان‌شناسی مثبت‌گرا غالباً با عنوان مربی زندگی^۱ از آن‌ها یاد می‌شود، ادعا می‌کنند راه‌های رسیدن به این نوع خوشبختی را می‌دانند و می‌توانند آن را به شرکت‌کنندگان بیاموزند. در نتیجه می‌توان ادعا کرد که این گفتمان به شکل گسترده‌ای مورد استقبال واقع شده است؛ و به دنبال استقبال گسترده از این گفتمان و نفوذ آن در

بسیاری از حوزه‌ها، به نظر می‌رسد که تصویری که گفتمان خوشبختی از «خوشبختی» به‌مثابه امری فردی ارائه می‌دهد، دارد جایگزین تصاویری می‌شود که دیگر گفتمان‌ها از خوشبختی و به‌ویژه خوشبختی جمعی ترسیم می‌کنند. در نتیجه به‌عنوان تعریفی بدیهی از خوشبختی مورد پذیرش واقع شده و به تعبیری هژمونی پیدا کرده است.

در مجموع می‌توان گفت که ما با یک پدیده‌ی اجتماعی قابل ملاحظه روبه‌رو هستیم که بررسی جامعه‌شناختی آن ضروری است. از این‌رو هدف از این پژوهش، شناخت ویژگی‌های این گفتمان در ایران است. در واقع می‌خواهیم بدانیم که بازتقریر و بازسازی این گفتمان - که دارای اصول و ارزش‌های مشترک جهانی است - در ایران دارای چه ویژگی‌ها و مختصات است؟ همچنین می‌کوشیم با توجه به تحلیل گفتمان فرکلاف و در سه سطح تحلیلی «توصیف، تفسیر و تبیین» برای پرسش‌های زیر پاسخ‌هایی بیابیم:

(۱) در متون مرتبط با گفتمان خوشبختی، چه واژگان، استعاره‌ها، افعال و ضمائر، ژانرها، ساخت‌های متنی و دیگر ویژگی‌های صوری و ساختاری به‌کار رفته است؟ (سطح توصیف)

(۲) جهان و انسان در این گفتمان چگونه به تصویر درمی‌آیند؟ چه نسبتی میان آن‌ها وجود دارد؟ دلالت‌های مفاهیمی مانند خوشبختی و موفقیت چیست و چه معنا یا معنای می‌دهند؟ (سطح تفسیر)

(۳) شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تکوین و رشد گفتمان خوشبختی در ایران چه بوده است؟ در خدمت منافع چه کسانی است؟ و چگونه درک و فهم مردم از خوشبختی و موفقیت را با تکنیک‌های مختلفی مانند پنهان‌سازی جریانات و روابط فردی و نهادی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شکل می‌دهد؟ (سطح تبیین)

پیشینه تحقیق

بر اساس بررسی‌های ما، هیچ تحقیقی به‌طور مشخص به تحلیل و بررسی جامعه‌شناختی این پدیده در ایران نپرداخته است. به‌طور کلی پژوهش‌هایی که به شکل مستقیم و غیرمستقیم به موضوع این پژوهش مرتبط‌اند را در چند گروه می‌توان قرار داد:

(۱) پژوهش‌هایی که با رویکردهای جامعه‌شناختی به مفهوم «خوشبختی» می‌نگرند و غالباً خوشبختی را متغیر وابسته در نظر گرفته و تأثیر متغیرهای دیگر بر آن را می‌سنجند. به‌عنوان نمونه سعیده امینی (2019) در مقاله‌ای با عنوان احساس خوشبختی ما ایرانیان به بررسی و تبیین احساس خوشبختی و ترسیم تصویری از آن در عرصه‌ی حیات اجتماعی

ایرانیان پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش که با استفاده از روش تحلیل ثانویه بر روی داده‌های پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان انجام گرفته است، بین توسعه‌ی اقتصادی و توسعه‌ی فرهنگی با احساس خوشبختی رابطه‌ی معناداری وجود دارد. همچنین هوشنگ نائی (2001) در پژوهش خود، رابطه‌ی میان احساس خوشبختی و متغیرهای رتبه‌ی شغلی، تحصیلات، درآمد، اوضاع اقتصادی، رضایت شغلی، رضایت کلی از زندگی و نیز اعتماد به دیگران را سنجیده است.

۲) پژوهش‌هایی که در حوزه‌ی روانشناسی به تأثیرات روانشناسی مثبت‌گرا به‌عنوان متغیر مستقل بر متغیرهای وابسته پرداخته‌اند. به‌عنوان مثال اعظم طاهری (2018) در پژوهشی با عنوان طراحی و ارزیابی اثربخشی مدل مداخلات روانشناسی مثبت‌گرا مبتنی بر مدرسه بر بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه به بررسی تأثیر مداخلات روان‌شناسی مثبت‌گرا بر بهزیستی تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد.

۳) رویکردهایی که از منظری دینی به روانشناسی مثبت‌گرا همچون پدیده‌ای نو نگریسته‌اند. به‌عنوان نمونه طالبی دارابی (2012)، می‌کوشد نظام‌های ارزشی و معنوی‌ای که به کمک روانشناسی جدید یا فراروانشناسی، از خلال روانشناختی‌سازی دین، در جهت ساخت و هدایت «خود» برآمده‌اند و به ظهور و رشد «معنویت‌گرایی جدید» انجامیده‌اند را با نظریات چارلز تیلور، فیلسوف معاصر کانادایی، تبیین کند.

هرچند این پژوهش‌ها به مفاهیمی چون خوشبختی، روانشناسی مثبت‌گرا، مثبت‌اندیشی و مانند آن از زوایای مختلف پرداخته‌اند ولی در این میان، خلأ یک پژوهش مستقل که به ارتباط این مفاهیم با یکدیگر ذیل یک گفتمان پرداخته و زمینه‌ی اجتماعی رشد و رواج آن را بررسی نماید، دیده می‌شود؛ خلأیی که امیدواریم این پژوهش گامی هرچند کوچک در جهت پر کردن آن باشد.

چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی در این پژوهش مبتنی است بر آراء برخی از مهم‌ترین اندیشمندان که به این پدیده توجه کرده‌اند. درواقع رویکرد نظری ما یا به تعبیری دریچه‌ای که از آن به این پدیده در ایران نگریسته‌ایم، تلفیقی است از آراء و نظریات متفکرینی که مفاهیم و تعابیرشان برای فهم و توضیح این پدیده هم‌پوشانی بسیار دارند. از میان اندیشمندان که

طی دو دهه‌ی گذشته به دگرگونی‌ها در تلقی و درک از خوشبختی و مفاهیم هم‌پسته با آن توجه داشته و پژوهش‌ها و تأملاتی در این زمینه انجام داده‌اند می‌توان به نیکلاس رُز^۱، سارا احمد^۲، سام بینکلی^۳ و ویلیام دیویس^۴ اشاره کرد. نیکولاس رُز (1996) تحت تأثیر آرای فوکو از چشم‌انداز حکومت‌مندی و نظام‌های جدید کنترل به بررسی این گفتمان پرداخته است. به‌زعم وی در دوران جدید و در نبود شیوه‌های نظارت سنتی، شیوه‌های نوینی از نظارت پدید آمده‌اند که روان‌شناسی نقش عمده‌ای در پیدایش آن‌ها داشته است. به‌زعم وی در حال حاضر و به‌رغم فروپاشی اقتدارهای سیاسی و دینی گذشته، اقتدارهای جدیدی سر برآورده‌اند که از تمایلات فردی ما برای تحقق خویشتن در زندگی روزمره‌مان، برای ساخت شخصیت‌مان و برای کشف این‌که واقعاً چه کسی هستیم، سرچشمه می‌گیرند. سارا احمد اندیشمند دیگری است که به این پدیده توجه نشان داده است. به‌زعم وی «شمار بی‌حدو حصر کتاب‌هایی که در رابطه با علم و اقتصاد خوشبختی - به‌ویژه از سال 2005 میلادی به بعد - نوشته شده‌اند و نیز محبوبیت فرهنگ‌های درمانی و خودیاری، به‌منزله‌ی چرخش به سمت خوشبختی است» (Ahmad, 2010: 3). برخی نیز هم‌چون بینکلی این پدیده را ذیل عنوان «گفتمان جدید خوشبختی» مورد بررسی قرار داده‌اند. بینکلی (2011) در آثار خود به بررسی رابطه‌ی موجود میان رشته‌ی روان‌شناسی مثبت‌گرا با نئولیبرالیسم می‌پردازد. به‌زعم وی روان‌شناسی مثبت‌گرا و علم نوینی که به‌واسطه‌ی آن درباره‌ی خوشبختی پدید آمده است و نیز مقوله‌ی هوش عاطفی در واقع پدیده‌های مربوط به دوران نئولیبرال و در حقیقت صورت‌هایی از روان‌شناسی در این دوران هستند. پدیده‌های در حال رشدی که افراد را تشویق می‌کنند تا درباره‌ی احساسات و عواطفشان بیاندیشند و آن‌ها را در جهت رسیدن به اهداف خاصی - به‌طور ویژه موفقیت‌های شغلی و حرفه‌ای - کنترل نمایند و به‌کار بندند. دیویس نیز به‌عنوان جامعه‌شناس و اقتصاددان سیاسی معتقد است که رواج روان‌درمانی‌های جدید و به‌طور کلی علم شادی در دوران معاصر در پیوند تنگاتنگ با مباحث اقتصادی، بازار آزاد و مصرف قرار دارد. او در کتاب خود با عنوان صنعت خوشبختی به بررسی نقش نئولیبرالیسم در شکل‌گیری این گفتمان جدید می‌پردازد. به‌زعم دیویس (2018)، نظام نئولیبرال به هر چه فراگیرتر شدن حس رقابت‌جویی و جستجوی فردی

-
1. Nikolas Rose
 2. Sara Ahmed
 3. Sam Binkely
 4. William Davis

خوشبختی که از مضامین محوری این گفتمان هستند، برای حفظ و گسترش خود نیاز دارد. به‌زعم دیویس میان ظهور روان‌شناسی مثبت‌گرا به‌عنوان شاخه‌ی جدید علم روان‌شناسی و سلطه‌ی نئولیبرالیسم در جهان رابطه‌ی تنگاتنگی وجود دارد. وجه مشترک آراء اندیشمندانی که به صورت‌بندی جدید مفهوم خوشبختی پرداخته‌اند، نگاه انتقادی ایشان به ظهور و گسترش تلقی جدید از خوشبختی است. به‌عنوان مثال، دیویس از «اقتصاد شادی» سخن می‌گوید. به‌زعم وی «شادی در حکم هویتی قابل‌اندازه‌گیری، قابل‌رؤیت و بهبودپذیر به دژ مدیریت اقتصاد جهانی نفوذ کرده است» (Davis, 2018: 16). از نظر او روان‌شناسی مثبت‌گرا در این میان نقشی کلیدی برعهده دارد. دیویس از یک دانش جدید با عنوان «دانش شادی» نام می‌برد. دانشی که «[...] نفوذ خود را مدیون وعده‌ی راه‌حل‌هایی می‌داند که به افراد مشتاق و نیازمند می‌دهد» (Davis, 2018, 22-23).

سارا احمد نیز مانند دیویس به ویژگی‌های آنچه «علم خوشبختی» می‌نامد، می‌پردازد. به‌زعم وی «علم خوشبختی بر مدلی بسیار خاص از سوژگی^۱ استوار است - جایی که فرد می‌داند چه احساسی دارد و تمایز قطعی میان احساس خوب و بد وجود دارد - که بنیان سلامت ذهنی و اجتماعی را شکل می‌دهد» (Ahmed, 2010: 6). بینکلی هم این دانش شکل‌گرفته حول مفهوم خوشبختی را ذیل «گفتمان خوشبختی» بررسی می‌کند. او به مقوله‌ی مربی‌گری زندگی همچون صنعتی در حال رشد اشاره می‌کند و آن را جایگزینی برای سنت درمانی گذشته می‌داند. در حقیقت در دوران معاصر این مریدان نیمه‌حرفه‌ای^۲ زندگی هستند که جایگزین درمان‌گران حرفه‌ای گذشته گردیده‌اند و وظیفه دارند تا افراد را به سوی خوشبختی هدایت نمایند (Binkley, 2011).

به‌این ترتیب، مفاهیمی چون «علم شادی» و «گفتمان خوشبختی» که به شکل‌گیری و گسترش تلقی جدید از خوشبختی و دانش و اقتصاد عظیم زمینه‌ساز رشد و شکل‌گرفته حول آن اشاره دارند، ستون‌های اصلی چارچوب مفهومی ما را تشکیل می‌دهند. همچنین در این پژوهش از آراء گیدنز نیز در باب ویژگی‌های «خود» در جهان مدرن سود جسته‌ایم.

1. subjectivity
2. semi-professional

روش تحقیق

برای بررسی و تحلیل گفتمان خوشبختی در روانشناسی مثبت‌گرا از روش تحلیل گفتمان فرکلاف سود جستیم. این روش این امکان را به ما می‌داد تا در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین ویژگی‌های این گفتمان را مشخص کنیم و علل ظهور و فراگیری آن را توضیح دهیم. در اینجا ذکر این نکته لازم است که آنچه در ایران و نشریات ایران در باب خوشبختی و موفقیت گفته می‌شود، در بسیاری از موارد بازگویی و بازنویسی مطالبی است از نویسندگان مطرح در زمینه‌ی کتاب‌های خوشبختی و خودیاری در جهان، که یا به شکل غیرمستقیم توسط نویسندگان مطرح در این زمینه بازتقریر می‌شوند و یا به شکل مستقیم در قالب چکیده، نقل قول یا مصاحبه‌های خیالی با آن‌ها چاپ می‌شوند.

از آنجایی که موضوع اصلی تحقیق، تحلیل گفتمان خوشبختی در روانشناسی مثبت‌گرا در ایران بود، می‌بایست به جای کتاب‌های ترجمه‌شده و پرفروش، به سراغ بازیابی و بازتقریر ایرانی این گفتمان می‌رفتیم؛ یعنی آنچه در این حوزه، توسط نویسندگان و سخنرانان ایرانی نوشته و بیان می‌شد. با این کار می‌توانستیم نشان دهیم که چگونه نویسندگان و نظریه‌پردازان این گفتمان در ایران، کوشیده‌اند تا اصول و مفروضات مشترک جهانی آن را با فرهنگ بومی تطبیق داده و رنگ و بویی ایرانی و اسلامی به آن بدهند. از میان متون مرتبط با این گفتمان که توسط نویسندگان ایرانی به رشته‌ی تحریر درآمده بود، نشریه‌ی موفقیت را مناسب‌تر و گویاتر یافتیم. از این رو به سراغ نشریه‌ی موفقیت رفتیم که همان‌طور که آمد، نزدیک به سی سال است بی‌وقفه و در شمارگان بالا چاپ می‌شود و مدیرمسئول آن، احمد حلت خود از نخستین و مهم‌ترین مروجان گفتمان موفقیت و خوشبختی در قالب کارگاه، سمینار و نشریه در ایران است و به نظر می‌رسد که برای تحلیل و بررسی این گفتمان، منبعی خوب و نمایان‌گر باشد.

از آنجاکه این پژوهش به روش کیفی انجام شده است، برای انتخاب مطالب موردنظر از میان عناوین مختلف مجله در سال‌های گوناگون؛ از روش نمونه‌گیری نظری یا هدفمند^۱ سود جستیم. بدین ترتیب نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب شدند که به بهترین شکل به بسط نظریه و توصیف ویژگی‌های پدیده‌ی موردبررسی یاری رسانند.

بر اساس مدل سه‌بعدی و چارچوب پیشنهادی فرکلاف در سطح توصیف تحلیل زبانی متون مرتبط با گفتمان «خوشبختی» در روان‌شناسی مثبت‌گرا انجام شد و ویژگی‌های

1. theoretical or purposive sampling

تحلیل گفتمان خوشبختی طی دو دهه‌ی اخیر در ایران ۱۴۳

صوری متن از جمله واژگان، روابط معنایی، دستور و ساخت‌های متنی استخراج گردید^۱ و با استفاده از ماشین جستجوی مطالب مجله، عناوین و مطالبی که به انتظام نظری و تکمیل و رفع کمبودهای کار یاری می‌رسانند بر اساس کلیدواژه‌ها، جستجو، انتخاب و به مطالب به‌دست‌آمده افزوده شدند. مفاهیم و واژگان مهم و پربسامد، استعاره‌ها و مانند آن نیز از طریق جستجوی کلیدواژه‌ها در عناوین مطالب مجله مشخص شده و در بخش توصیف، ذکر گردیدند. از سوی دیگر در سطح تفسیر، تلاش شد تا پرکتیس گفتمانی، نظم گفتمانی و بیناگفتمانی در این حوزه مورد توجه قرار بگیرد. در این بخش پس از یافتن مفاهیم کلیدی و شیوه‌ی مفصل‌بندی دال‌های مختلف و استفاده از دیگر گفتمان‌ها در متون مطالعه‌شده، از موتور جستجو برای تکمیل این بخش استفاده شد. در سطح سوم یعنی تبیین نیز، ساختارها و زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و به‌طور کلی نظم اجتماعی‌ای که از دل آن چنین گفتمانی شکل گرفته و رشد کرده مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش، چارچوب مفهومی برگرفته از نظریات مهم در این زمینه با شرایط خاص اقتصادی- اجتماعی - سیاسی ایران و عوامل درونی، تطبیق داده و استفاده شد.

۱. الف. واژگان (۱). کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ در طبقه‌بندی آن‌ها از کدام طرح‌ها استفاده شده است؟ آیا می‌توان از عبارت‌بندی دگرسان یا عبارت‌بندی افراطی سخن گفت؟ چه نوع روابط معنایی (هم معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی) به لحاظ ایده‌تولوژیک معنادار بین کلمات وجود دارد؟ ۲. کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارند که دال بر حسن تعبیر باشند؟ آیا کلماتی وجود دارند که آشکارا رسمی یا محاوره‌ای باشند؟ ۳. کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ ۴. در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ ب. دستور (۵). ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کنشگری نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرآیند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلوم هستند یا مجهول؟ جملات مثبت هستند یا منفی؟ ۶. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی دستوری، امری) استفاده شده است؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت رابطه‌ای وجود دارند؟ آیا از ضمیرهای ما و شما استفاده شده است و اگر پاسخ مثبت است، نحوه‌ی استفاده از آن‌ها چگونه بوده است؟ ۷. ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ آیا ویژگی‌های مهم وجهیت بیانی موجودند؟ ۸. جملات (ساده) چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرکب از مشخصه‌های هم‌پایگی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟ ج. ساخت‌های متنی (۹). از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ آیا روش‌هایی وجود دارند که به کمک آن‌ها یک مشارک نوبت گفتن دیگران را کنترل کند؟ متن واجد چه نوع ساخت‌های گسترده‌تری است؟ (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۰ و ۱۷۱).

یافته‌های تحقیق

توصیف

واژگان و مفاهیم مهم و پرکاربرد در متون مورد بررسی کم‌وبیش به دو گروه خوب / بد، مطلوب / نامطلوب و مثبت / منفی قابل تقسیم‌اند. بر این اساس واژگان و مفاهیمی که در یک دسته قرار دارند، هم‌معنا هستند و با واژگان و مفاهیم دسته‌ی دیگر در تضاد قرار می‌گیرند. این واژگان و مفاهیم و تقسیم‌بندی‌شان در جدول زیر آمده‌اند:

جدول ۱. توصیف مفاهیم

Table 1: Description of Concepts

مثبت، مطلوب، خوب	منفی، نامطلوب، بد	
موفقیت، خوشبختی، عشق، شادی، رضایت، آرامش، خوشنودی، موفقیت، سلامتی، نشاط، اعتمادبه‌نفس، مهربانی، کار و تلاش، استقامت، ایثار و فداکاری، بخشش، دوستی، وفاداری	غم، تنهایی، خشم، حرص، طمع، حسد، کینه، حسرت، اضطراب، استرس، ناامیدی، افسردگی، عدم اعتمادبه‌نفس، نامهربانی، بدخلقی، دروغگویی، غیبت، خشونت، خیانت	مفاهیم و واژگان

همچنین استعاره‌هایی چون «راز»، «کلید» و مشتقات آن، «راه»، «مسیر»، «جاده»، «گام» و مانند آن در متون مرتبط با این گفتمان بسیار پرکاربرد هستند. در ادامه به هر یک اشاره‌ای کوتاه خواهیم کرد.

کلید: استعاره‌ی کلید و مشتقات آن مانند «شاه کلید» از استعاره‌های پرکاربرد در گفتمان خوشبختی است که در عناوین بسیاری از مطالب نشریه آمده است.

راه، جاده: «راه» و «جاده»، استعاره‌هایی هم‌معنا و بسیار پربسامد هستند. واژه‌های «راه» (و مشتقات آن)، «جاده» و «مسیر» به دفعات در عناوین مطالب مجله آمده‌اند.

گام: این واژه و واژه‌ی هم‌معنای آن «قدم»، بارها در عناوین مطالب نشریه استفاده شده است.

راز: این واژه هم در بسیاری از عناوین مطالب مجله آمده است.

قانون: واژه‌ی قانون و مشتقات آن نیز از واژه‌های پرکاربرد در عناوین مطالب این نشریه است.

به لحاظ ساخت و نحو جملات، افعال در جملات و گزاره‌های متون مرتبط با این گفتمان، بیشتر در وجه اخباری و امری هستند. افعال امری مانند «بدان» «بکن»، «تکن»، «بگذار»، «نگذار»، «بده»، «مده»، «بخوان»، «نخوان» بارها در عناوین مطالب نشریه آمده‌اند. همچنین قیودی مانند «همواره»، «همیشه»، «هرگز»، «باید» و «نباید» و مانند آن نیز به شکل گسترده در عناوین مطالب نشریه به کار رفته‌اند.

در متون مرتبط با این گفتمان از صفت‌های تفضیلی بسیار استفاده می‌شود؛ و ترکیباتی مانند «خوشبخت‌ترین»، «موفق‌ترین»، «بزرگ‌ترین»، «ساده‌ترین»، «مهم‌ترین» و «خوشحال‌ترین»، در عناوین بسیاری از شماره‌های نشریه آمده‌اند. همچنین ضمائر و افعالی مانند «تو»، «خودت»، «خوبه»، «بشی»، «بخوای»، «بری» و مانند آن در برخی عناوین مطالب نشریه به کار رفته‌اند که نشان می‌دهد در کنار زبان رسمی متداول در نشریات، مطالب بسیاری به زبان محاوره‌ای آمده است. ساخت متنی متون مرتبط با این گفتمان نیز بیشتر به شکل تک‌گویی و در قالب موعظه، نصیحت و توصیه است که از موضعی فرادست و از جانب دانای کل بیان می‌شود. از این‌رو واژه‌هایی چون «توصیه»، «اصل»، «اصول»، «راهکار»، «تکته» و مانند آن بسیار پربسامد هستند.

همچنین ژانرهایی که این گفتمان برای ارتباط با مخاطبان از آن استفاده می‌کند را در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان به دو بخش تقسیم کرد؛ «ژانرهای ارتباطی گفتاری» و «ژانرهای ارتباطی نوشتاری». متداول‌ترین شیوه‌ی ارتباط گفتاری در این گفتمان، همچنان که انتظار می‌رود، سخن‌رانی است. این سخن‌رانی‌ها به اشکال گوناگون و در ژانرهای مختلف صورت می‌گیرد. «کارگاه»، «همایش»، «سمینار» از مهم‌ترین این اشکال و ژانرها هستند. همچنین بر اساس بررسی شماره‌های مختلف نشریه‌ی موفقیت، متداول‌ترین شیوه‌های ارتباط نوشتاری در متون مرتبط با این گفتمان، عبارت‌اند از: «تست و آزمون»، «گزین‌گویه»، «دل‌نوشته (در قالب نامه‌نگاری)»، «حکایت‌های تمثیلی» و «پرسش و پاسخ».

تفسیر

به لحاظ هستی‌شناسانه کل جهان هستی در این گفتمان به صورت یک مجموعه‌ی همگن و یکپارچه و با عنوان «کائنات» شناخته می‌شود؛ و چون بر اساس اصول فیزیک، ماده همان

انرژی است، در نتیجه کائنات هم چیزی نیست جز مجموعه‌ی بی‌پایانی از انرژی. در واقع جهان و سازوکار آن بر توضیح فیزیکی از جهان استوار است و مطابق با قوانین فیزیک عمل می‌کند. همچنین در این گفتمان، هماهنگی کامل بر کائنات حاکم است و جهان بر اساس نظم و قوانینی تخطی‌ناپذیر عمل می‌کند. این قوانین بر وجود یک جهان باشعور و آگاه دلالت دارد که در آن، میان انسان‌ها و کائنات ارتباطی هوشمندانه برقرار است. بر این اساس همواره پیام‌هایی از سوی کائنات به سوی ما روان است. در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۷۱ نشریه می‌خوانیم «نشانه‌ها در هر لحظه، از کائنات پیام‌های بسیاری را برای ما به ارمغان می‌آورند (Hellat, 2004:2). در واقع وجود جهان و تک‌تک انسان‌ها بر اساس یک طرح و نقشه‌ی معین به تصویر درمی‌آید و انتخاب ما برای زنده ماندن و زندگی از سوی کائنات، به هیچ وجه ناهوشمندانه و بی‌حساب و کتاب نبوده است.

اما آفرینش کائنات با چنین نظم و هماهنگی‌ای به یک «خالق» نیاز دارد. در این گفتمان، جایگاه خداوند در نظام هستی، به عنوان خالق کائنات بسیار مبهم است. با وجود آشکار بودن رگه‌ای عرفانی در آثار نویسندگانی چون وین دایر، به طور کلی می‌توان گفت که مفهوم خداوند در آثار نویسندگان خارجی کتاب‌های خودیاری و موفقیت‌جویی نیز نقشی حاشیه‌ای و مبهم دارد؛ اما در ایران به دلایل مختلف از جمله قوی بودن سنت دینی، درک و تلقی از خداوند رنگ و بویی به شدت دینی و عرفانی به خود می‌گیرد؛ و این امر البته بر پیچیدگی فهم از خداوند می‌افزاید. از خداوند با تعبیری چون «روح برتر»، «روح قادر مطلق»، «ناشناختنی»، «ناشناختنی بزرگ» و مانند آن یاد می‌شود. در مجموع جایگاه خالق در نظامی که از یک سو به وسیله‌ی قوانین فیزیک توضیح داده می‌شود و جای چندانی برای عقاید و باورهای دینی به عالم غیب نمی‌گذارد و از سوی دیگر بر نیاز به «هدایت الهی» و «روح ربانی» تأکید می‌کند؛ گنگ و مبهم باقی می‌ماند.

همچنین «زمان» در این گفتمان دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از مفهوم زمان در سایر گفتمان‌ها متمایز می‌سازد. در این گفتمان، گذشته، مجموعه‌ی وقایع و خاطراتی است که می‌بایست تا حد امکان از یادآوری آن جلوگیری کرد و آن را به فراموشی سپرد. «تو می‌توانی سنگینی دیروز را فراموش کنی» (Haddad Ashrafi, 2004: 9). در واقع هر چه رویدادهای گذشته بیشتر و بهتر به فراموشی سپرده شود، ایجاد تغییر و شروعی دوباره در زمان حال آسان‌تر می‌شود. از سوی دیگر، آینده نیز فقط در قالب آرزوها و اهداف به تصویر درمی‌آید. آینده‌ای که بهتر است فقط به صورت یک وضعیت آرمانی در نظر گرفته

تحلیل گفتمان خوشبختی طی دو دهه‌ی اخیر در ایران ۱۴۷

شود که به‌هرحال روزی محقق می‌شود؛ در غیر این صورت، آینده و تجسم آن، منبعی از استرس، اضطراب و احساسات منفی خواهد بود.

همان‌طور که در بخش توصیف در مورد واژه‌ها و مفاهیم کلیدی گفتیم، در این گفتمان، هم انرژی کیهانی و هم ذهن، یعنی افکار، ایده‌ها، باورها و احساسات انسان، به دودسته‌ی مثبت و منفی تقسیم می‌شوند. بر این اساس واژه‌های «مثبت» و «منفی» و ترکیبات آن‌ها با دیگر واژه‌ها مانند «انرژی مثبت / منفی» و «مثبت / منفی اندیشی» از مفاهیم کلیدی و پربسامد در این گفتمان هستند. بر اساس قانون جذب، ما می‌بایست تلاش کنیم تا حداکثر انرژی مثبت در کائنات را جذب کنیم و از سوی دیگر تا آنجا که می‌توانیم از انرژی‌های منفی اجتناب کنیم. افکار و احساسات مثبت و منفی و پیامدهای جذب انرژی مثبت یا جذب انرژی منفی را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

جدول ۲. مفاهیم کلیدی گفتمان

Table 2: Key Concepts of Discourse

منفی	مثبت	نوع انرژی شکل بروز انرژی
<ul style="list-style-type: none"> - من در تحقق آرزوهایم ناتوان هستم. - باید آرزوهایی عملی و کوچک داشته باشم. - با توجه به شرایط، تحقق آرزوهای من امکان‌پذیر نیست. - من سزاوار خوشبختی و موفقیت نیستم. 	<ul style="list-style-type: none"> - من توانایی هر کاری را دارم - من می‌توانم به هر آرزویی برسم - خوش‌بینی، مثبت‌اندیشی - من سزاوار خوشبختی و موفقیت هستم. 	افکار و اندیشه‌ها
<ul style="list-style-type: none"> غم، تنهایی، خشم، حرص، طمع، حسد، کینه، حسرت، اضطراب، استرس، ناامیدی، افسردگی، عدم اعتماد به نفس 	<ul style="list-style-type: none"> -عشق نسبت به خود، دیگران و جهان، شادی، رضایت، آرامش، خشنودی، موفقیت، سلامتی، نشاط، اعتماد به نفس 	احساسات و عواطف
<ul style="list-style-type: none"> نامهربانی، بدخلقی، دروغ‌گویی، غیبت، خشونت، خیانت 	<ul style="list-style-type: none"> مهربانی و مهرورزی، عدالت، کار و تلاش، استقامت، ایثار و فداکاری، بخشش، دوستی، صمیمیت، وفاداری 	رفتار
<ul style="list-style-type: none"> غرق شدن در انرژی منفی، احساس بدبختی و عدم موفقیت 	<ul style="list-style-type: none"> سرشار شدن از انرژی مثبت، احساس خوشبختی و موفقیت 	نتیجه و پیامد

به‌طور کلی، «جذب»، به‌عنوان یک مفهوم کلیدی و در قالب «قانون جذب» از اصول و مبانی این گفتمان به‌شمار می‌رود. به تعبیر حلت: «قانون جذب مدلی است که با آن می‌توان دنیای واقعی و وقایع آن را در کنار اتفاقات دنیای معنوی درون هر انسان تفسیر کرد» (Hellat, 2010: 22). او در شماره‌ی ۱۵۱ مجله موفقیت تحت عنوان «کاربرد عملی قانون جذب در زندگی: تا می‌توانی آرزو کن» می‌آورد: «[...] قانون جذب جزو قوانین معنوی عالم هستی است و مثل قوانین ریاضی و فیزیکی واقعاً وجود دارد و روی زندگی ما و اطرافیانمان چه آگاهی داشته باشیم و چه خیر، تأثیر دارد. از سوی دیگر گفتیم که قوانین فیزیک مدرن به‌طور عجیبی قانون معنوی جذب را اثبات می‌کند» (Hellat, 2008: 62). اما ارتباط انسان با جهان پیرامون خود در یک دسته‌بندی کلی دوسویه دارد. یک‌سویه که خصلتی فعالانه و روبه‌جلو دارد و بیشتر بر «موفقیت» ناظر است و سوبه‌ی دیگر که خصلت منفعلانه و ایستا دارد و بیشتر بر «خوشبختی» دلالت دارد. در ادامه این دوسویه را در قالب دو عنوان «اراده به تغییر» و «سازگاری و انطباق» توضیح خواهیم داد.

اراده به تغییر

«خواستن»، «اراده‌کردن»، «تصمیم‌گرفتن»، «انتخاب‌کردن» و «تغییرکردن» از مفاهیم و تعابیر کلیدی و پرکاربرد در متون مرتبط به گفتمان خوشبختی در روانشناسی مثبت‌گرا هستند. در واقع تغییر از وضعیت موجود در زمان حال به وضعیتی ایده‌آل در آینده از مضامین کلیدی و پرتکرار در این گفتمان است که با واژگان مختلفی چون دگرگونی، تحول، تغییر و مانند آن بیان می‌شود. در واقع رسیدن به موفقیت در گرو تغییر در «عادات، رفتار، افکار و باورهای خود» است (Yaghubpur, 2003: 42). وقتی که فرد تصمیم به تغییر بگیرد، به هر آنچه می‌خواهد می‌رسد؛ و هیچ‌چیز، ناممکن نیست. در واقع انگیزه و هدف فرد، چیزی نیست جز تغییر وضع فعلی در جهت رسیدن به آینده‌ای مطلوب. این آینده‌ی مطلوب هم، از خلال تجسم و تحقق «آرزوها» و «رؤیاهای»، حاصل می‌گردد. «قوه‌ی تخیل در بازی زندگی بسیار مهم است. هر آنچه آدمی در خیال خود تصور کند دیر یا زود در زندگی‌اش نمایان می‌شود» (Yasaei, 2004: 21). در واقع با این پیش‌فرض مسلم که هر چه بخواهید همان می‌شود، آرزوها و رؤیاهای در زندگی فرد، اهمیتی حیاتی می‌یابند.

سازگاری و انطباق

بر اساس آنچه از متون مرتبط با این گفتمان به دست می‌آید، سازگاری و انطباق، یعنی پذیرش رضایتمندانه‌ی «هرآنچه» در بیرون اتفاق می‌افتد، مهم‌ترین اصل در ارتباط میان انسان و جهان است. این انطباق، با مفاهیم پربسامدی چون «رضایت»، «شکرگزاری» و مانند آن بیان می‌گردد. «[...] نوع نفس کشیدنمان را تغییر دهیم و با هر نفس، از بودن خود راضی باشیم تا دیگران هم از بودن در کنار ما احساس خوشبختی کنند [...] آنچه خدا از ما می‌خواهد همین است: «همه با هم خوشبخت باشیم» (Ghorbankhanlu, 2004: 12). همان‌طور که پیش‌تر دیدیم، بر اساس قانون جذب، کائنات، سرانجام آرزو و خواست مرا محقق خواهد کرد؛ پس بهتر است در برابر حوادث و روی‌دادهای ناخوشایند، سر تسلیم فرود بیاوریم و شکرگزار باشیم؛ زیرا درنهایت آرزوی ما برآورده خواهد شد. «در آنچه برای من اتفاق می‌افتد خیری نهفته است [...] من اکنون بیش از هر زمان دیگر احساس خوشبختی می‌کنم» (Heidari, 2004: 35)؛ اما شکرگزاری به‌عنوان نمود سازگاری و انطباق در این گفتمان که بر رویکردی دینی یا به عبارت بهتر شبه-دینی مبتنی است، برخلاف گفتمان دینی، نه به‌قصد تقرب یا اجر اخروی (که دست‌کم هیچ‌گاه سخنی از آن به میان نمی‌آید) بلکه به‌قصد رستگاری دنیوی صورت می‌گیرد؛ به‌عبارت‌دیگر، منظور و مراد، کسب آرامش و بهره‌گیری هر چه بیشتر از زندگی و دستیابی به خوشبختی است.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای چنین انطباق و پذیرشی، کسب آرامش و رهایی از استرس و اضطراب است. «آرامش» و مفاهیم متضاد آن یعنی «استرس» و «اضطراب»، از مفاهیم پرکاربرد در این گفتمان‌اند. مطالب بسیاری در مورد شیوه‌ها و تکنیک‌های کسب آرامش و رفع استرس در شماره‌های مختلف نشریه موفقیت آمده است که در این میان، «مدیتیشن» و «یوگا» به‌عنوان بهترین و متداول‌ترین شیوه‌های جسمی/ذهنی برای رسیدن به آرامش و رفع استرس توصیه می‌شود. ازجمله تکنیک‌های دیگر برای کسب آرامش و رفع استرس، «خنده» و «شادی» هستند؛ و این دو از واژگان پربسامد در متون مرتبط با این گفتمان‌اند. «اگر می‌بینی وضع مالی‌ات خوب نیست و به خاطر فقر مجبوری از خیلی چیزها بگذری، باز هم لبخند بزن (Saghafi, 2004:3).

در مجموع به نظر می‌رسد که شیوه‌ی ارتباط فرد با جهان و رویکرد او به وقایع و رخدادهای بیرونی در این گفتمان، مبتنی است بر نوعی تلقی شبه-عرفانی از جهان. درواقع نوعی گفتمان دینی - عرفانی در کنار گفتمان‌های علمی، تاروپود گفتمان خوشبختی را

می‌سازند. در سرمقاله‌ی شماره‌ی ۶۰ مجله‌ی موفقیت، ما با تلفیقی از گفتمان‌های مختلف مواجه‌ایم که به صورتی خاص مفصل‌بندی شده‌اند. در ابتدای مقاله عبارت «یاد خدا آرام-بخش قلب‌هاست» آمده که آشکارا به آیه‌ای از قرآن کریم اشاره دارد؛ عبارتی که تقریباً تمام سرمقاله‌های نشریه‌ی موفقیت با آن آغاز می‌شوند. بعد در ادامه به ترکیب شگفتی از مفاهیم و واژگان علم فیزیک و مفاهیم دینی برمی‌خوریم. نویسنده برای اینکه از «انرژی» (فیزیک) جمعی از طرفداران «نهضت موفقیت» (دینی) بهره‌گیرد از طریق «برنامه‌های تلویزیونی، سمینارها و کارگاه‌های متعدد» از ایرانیان می‌خواهد «رأس ساعت یازده شب وضوی عشق بگیرند و چشمشان را به نور کتاب‌های آسمانی روشن کنند چند آیه‌ای بخوانند سپس از یازده و پنج دقیقه تا یازده و ده دقیقه آرزوها و رؤیاهای خود را در ذهن مرور کرده و ببینند که آیا به آن رسیده‌اند؛ و از یازده و ده دقیقه تا یازده و پانزده دقیقه به وقت ایران در هر گوشه‌ی خاکی که هستند دعای عشق بخوانند» (Hellat, 2003: 2). سپس در ادامه از شرکت‌کنندگان در این نیاپیش جمعی می‌خواهد تا «چنانچه بیمار صعب‌العلاجی دارید در آن ساعت او را در میدان انرژی به وسعت جهان قرار دهید؛ معجزه را باهمه‌ی وجود دریافت خواهید کرد» (Ibid.). بدین ترتیب ما با ترکیبی از مفهوم انرژی در فیزیک و برداشتی بسیار رقیق‌شده و به یک معنا شبه عرفانی و کارکردی از دین در قالب وضو و دعای عشق روبروایم. ترکیبی که در نتیجه‌ی آن، «معجزه» به مثابه مفهومی دینی و الهی، به انرژی جاری در جهان نسبت داده می‌شود و قرائت قرآن به این کار می‌آید که با «روشن کردن چشم با آیه‌های کتاب‌های آسمانی» بفهمیم که «به آرزوها و رؤیاهای شخصی خود رسیده‌ایم یا نه؟» و درعین حال برای دیگران هم دعا کنیم تا به آرزوهایشان برسند.

در مجموع می‌توان گفت که تلاش‌های زیادی در ایران صورت گرفته تا مفاهیم و واژگان گفتمان خوشبختی با مفاهیم و واژگان دینی و اخلاقی فرهنگ ایرانی-اسلامی تطابق داده شوند؛ مفاهیمی چون «کمال» و «توکل» از آن دسته‌اند. به‌عنوان نمونه محمود معظمی در مصاحبه‌اش با مجله موفقیت می‌آورد: «ما معتقدیم که در هر لحظه‌ای شما می‌توانید در کمال باشید؛ و هر لحظه‌ای که توانستید به خودتان احترام بگذارید، مسلماً همان لحظه در اوج کمال هستید» (Moazzami, 2005: 91). احمد حلت در مصاحبه‌ای که در شماره ۱۸۵ مجله موفقیت چاپ شده است می‌کوشد تا ضمن توضیح آنچه قانون جذب می‌نامد مابه‌ازاهایی در فرهنگ ایرانی و شرقی برای آن بیابد. از نظر حلت مفهوم «توکل» بسیار مشابه قانون جذب است. «توکل در فرهنگ ما یعنی امیدوار بودن به کمک و

مساعدت خالق هستی البته به همراه انجام هر کاری که از دستمان برمی‌آید. [...] قانون جذب هم عیناً همین تفسیر را دارد. می‌گوید کائنات بیرون وجود ما و البته در درون بدن ما همه‌جا حضور دارد و وقتی بتوانیم درون و بیرون را هم‌ارتعاش کنیم، درواقع کل کائنات برای برآوردن خواسته‌ی ما بسیج می‌شود و به تلاطم می‌افتد» (Hellat, 2010: 21). در اینجا حلت می‌کوشد مفهوم معنوی توکل را که به قول خود وی قرار است برای ما خیروبرکت دنیوی و اخروی بیاورد، با قانون جذب که در آن صرفاً بر آرزوهای دنیوی تأکید می‌شود، یکسان نشان دهد.

تبیین

با نگاهی به آمار درمی‌یابیم که از نیمه‌ی دهه‌ی ۷۰ به بعد و به‌ویژه از ابتدای دهه‌ی هشتاد شمس بود که کتاب‌ها، سخنرانی‌ها، سمینارها، کارگاه‌ها و نشریات مرتبط با گفتمان خوشبختی و موفقیت در ایران رونق بسیار یافتند؛ و البته این امر اتفاقی نبود. فضای کشور در دهه‌ی هفتاد، با دور شدن از فضای انقلابی اواخر دهه‌ی پنجاه و اوایل دهه‌ی شصت و همچنین پایان گرفتن جنگ و تثبیت فضای سیاسی کشور در اواخر دهه‌ی شصت، به‌سرعت به سمت سازندگی، رشد و دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی حرکت می‌کرد. از مهم‌ترین دوره‌های پس از انقلاب که منجر به وقوع تحولاتی عمده در ساختار قشربندی اجتماعی و فربه‌شدن طبقه‌ی متوسط شهری گردید، دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بود. این تحولات، بر پایه‌ی عواملی چند، مانند اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی و تغییر اقتصادی بر مبنای بازار، ترویج سیاست تجارت آزاد و مانند آن صورت گرفت.

اما تحولات اقتصادی و رشد طبقه‌ی متوسط، محدود به ایران نبود بلکه بسیاری از کشورهای آسیایی را در دوره‌های تاریخی مختلف، شامل می‌شد. به‌عنوان مثال می‌توان به مورد کره‌ی جنوبی اشاره کرد که در آن رژیم چوانگ از طریق سیاست‌های اقتصادی مؤثر و مهندسی پروژه‌ی طبقه‌ی متوسط بهنجار، تلاش کرد تا کره را پس از دهه‌ها جنگ، فقر و تخریب به‌سوی آینده‌ای بهتر پیش ببرد. در همین رابطه، هاروی به ظهور طبقه‌ی متوسط به‌عنوان بخش اجرایی حرفه‌ای در پی رفورم‌های صورت گرفته در زمینه‌ی آزادسازی بازار اشاره می‌کند (Harvey, 2005). با توجه به (Kandogan & Johnson, 2016) این

رفورم‌ها که بیشتر معطوف به آزادی اقتصادی هستند، اغلب شامل حذف نظارت دولت^۱، خصوصی‌سازی^۲ و آزادسازی^۳ می‌شوند. بدین ترتیب در ایران نیز، ثبات سیاسی، آزادسازی اقتصادی، ورود سرمایه‌ها و کالاهای خارجی، افتتاح طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی، مهاجرت از روستاها به شهرها و رشد طبقه‌ی متوسط شهرنشین از ویژگی‌های خصلت‌نمای دوران به‌اصطلاح «سازندگی» بود. این تغییرات، به‌ویژه به رشد دانشجویان، اقشار تحصیل‌کرده و تکنوکرات‌ها انجامید که به‌طور مشخص زمینه‌ساز به قدرت رسیدن دولت اصلاحات با شعارهای آزادی‌خواهانه بودند.

از سوی دیگر، رشد اقتصادی و ورود کالاهای خارجی به‌نوعی «مصرف‌گرایی» دامن زد؛ رشد مصرف‌گرایی نیز با گسترش فرهنگ فردگرایانه همراه بود. بر اساس این تحولات، انسجام اجتماعی و ارزش‌های جمع‌گرایانه‌ای که در دوران انقلاب و جنگ، عامل وحدت‌بخش جامعه بودند، رنگ باختند؛ انسجامی که به‌ویژه برخاسته از باورهای دینی و میهنی بود. از این‌روست که ارزش‌ها و باورهای مسلط در دهه‌ی شصت مانند ساده‌زیستی و قناعت و همچنین احساساتی مانند احساس تعلق داشتن به یک خانواده (در فرهنگ عمومی دهه‌ی شصت مردم یکدیگر را «برادر» و «خواهر» خطاب می‌کردند)، در دهه‌ی هفتاد و هشتاد کم‌رنگ شدند. بدیهی است که در چنین فضایی، و در خلأ گفتمان‌هایی که توضیحی قانع‌کننده برای وضعیت جدید داشته باشند؛ گفتمان خوشبختی و موفقیت‌جویی جای خود را در میان مردم باز کند.

بدین ترتیب در فضای اجتماعی نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰ به این‌سو، مفاهیم و واژگان جدیدی وارد فرهنگ عمومی می‌شوند. «استرس»، «اضطراب»، «آرامش»، «مدیریت»، «موفقیت» و «خوشبختی» از مهم‌ترین این مفاهیم و واژگان‌اند. این واژه‌ها از وضعیتی برمی‌خیزند که در آن با تثبیت اقتصاد مبتنی بر بازار، افراد می‌بایست در رقابتی شدید با دیگران، گلیم خود را از آب بیرون بکشند و به لحاظ اقتصادی موفق شوند. نتیجه‌ی انداختن مسئولیت موفقیت و عدم موفقیت فرد به دوش او در غیاب سازمان‌ها و نهادهای حمایت‌گر، به افزایش استرس، اضطراب و آسیب‌های ذهنی - روانی منجر می‌شود. در چنین فضای رقابتی‌ای «آرامش» حکم کیمیا را دارد. اگر چه در گفتمان خوشبختی و

1. deregulation
2. privatization
3. liberalization

موفقیت در همه جای دنیا راه‌ها و روش‌های رسیدن به این آرامش، رگه‌ای دینی - عرفانی دارد اما همان‌طور که نشان دادیم، رسیدن به چنین آرامشی، در جامعه‌ی ایران که ارزش‌های دینی همواره در آن پررنگ بوده است، رنگ و بوی دینی - عرفانی بیشتری به خود می‌گیرد. به این منظور، گفتمان دینی سنتی به‌گونه‌ای تغییر می‌یابد که بتواند این «آرامش فردی» را در میان تشویش‌ها و اضطراب‌های زندگی در عصر کنونی برای زندگی دنیوی فرد به ارمغان بیاورد.

تحول و دگرگونی در گفتمان دینی، پدیده‌ای است که به‌ویژه در صورت‌بندی گفتمان خوشبختی از چیستی جهان و معنا‌ی زندگی، اهمیت بسیاری دارد. عده‌ای مانند طالبی دارابی (2012) کوشیده‌اند تا این تحولات و دگرگونی‌ها را از منظر دین و جامعه‌شناسی دین تحت عناوینی چون «فرقه‌گرایی جدید» یا ظهور «عرفان‌های نوظهور» توضیح دهند. در واقع بسیاری از مضامین طرح‌شده در گفتمان خوشبختی در ایران، به‌ویژه مفروضات هستی‌شناختی آن شباهت‌های آشکاری دارند با آنچه تحت عنوان «عرفان‌های نوظهور» توسط بسیاری از پژوهشگران حوزه‌ی دین و جامعه دسته‌بندی می‌شوند. «قانون جذب»، «انرژی مثبت و منفی»، «شعور کائنات» و تعبیری از این دست که به‌طور مفصل در بالا به آن پرداختیم به‌وضوح از رویکردهای عرفانی و شبه‌عرفانی جدید وام گرفته شده‌اند.

ولیع‌ی ابرقویی (2014) به‌طور مشخص پژوهشی در باب مطرح‌ترین شکل عرفان نوظهور در ایران یعنی مکتب عرفان کیهانی (حلقه) انجام داده و مفاهیم و اصطلاحات اصلی این مکتب را برشمرده است. از جمله مفاهیم اصلی در این مکتب، «جهان دوقطبی» است که بر اساس آن جهان و موجودات بر اساس دو قطب مثبت و منفی شکل گرفته‌اند؛ که این مباحث بسیار به مباحث انرژی مثبت و منفی در کائنات که در بالا آمد شبیه است. همچنین آنچه در مکتب عرفان کیهانی با عنوان «قانون بازتاب» طرح می‌شود در درون گفتمان خوشبختی نیز بسیار مورد تأکید قرار دارد. «بر اساس قانون بازتاب هر اندیشه و عمل انسان چه خوب و چه بد، به‌سوی خداوند منعکس می‌شود تا نتیجه آن به‌صورت هدایت یا ضلالت به او بازگردد. خداوند با قراردادن قانون بازتاب در جهان دو قطبی، انسان را هدایت یا گمراه می‌کند» (Valeei Abarghouei, 2014: 9). مضامین مشابه با این قانون، در بسیاری از متون مرتبط با گفتمان خوشبختی و موفقیت آمده است. به‌عنوان نمونه احمد حلت در شماره‌ای از مجله‌ی موفقیت با عنوان «قانون سوم نیوتن در موفقیت»، ضمن توضیح این قانون در فیزیک نیوتونی می‌آورد «[...] تک‌تک اعمال ما نه توسط

اطرافیان، بلکه به‌وسیله‌ی کائنات، شمرده و براساس آن پاداش و مجازاتی که ممکن است مطلوب و خوشایند نباشد، تعیین می‌شود» (Hellat, 2017: 17).

البته بر این اساس نمی‌توان این گفتمان را همچون یک مکتب عرفانی تلقی کرد؛ بلکه به نظر می‌رسد که این گفتمان به‌جز عرفان کیهانی از مطالب مطرح در عرفان‌های مختلف مانند عرفان پائولو کوئیلو، اوشو و انواع عرفان‌های شرقی مطالبی را برگرفته و با مفصل‌بندی خاص خود آن‌ها را به‌کار می‌گیرد. درواقع بر اساس همان منطقی که گفتمان خوشبختی و موفقیت یا به تعبیر حلت «علم موفقیت» از علم روانشناسی استفاده می‌کند تا به افراد راهکارهایی برای عبور از مشکلات زندگی ارائه کند؛ از رویکردها و مکاتب مختلف عرفانی از سراسر جهان نیز سود می‌جوید تا ترکیبی منحصربه‌فرد از روانشناسی، فیزیک، دین، عرفان و مانند آن ایجاد کند. این امر نه‌فقط در مورد موضوعات علمی بلکه در مورد موضوعات دینی و عرفانی نیز صادق است. با این حال به نظر می‌رسد که معنویت‌گرایی جدید به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از گفتمان خوشبختی، خود، محصول فرایندهای بنیادینی است که زمینه را برای ظهور آن فراهم می‌کنند. آراء گیدنز در باب خصلت «بازاندیشانه‌ی» «خود» در جهان مدرن، می‌تواند تبیینی جامعه‌شناسانه‌تر و جامع‌تر از ظهور چنین پدیده‌هایی به‌دست دهد.

فرایند مدرن شدن جوامع به‌مثابه هسته‌ی اصلی فرایند جهانی‌شدن^۱، جامعه‌ی ایران را نیز دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های بسیاری کرده است. یکی از پیامدهای مدرن شدن هم، ساخته‌شدن یک «خود» جدید است که در جوامع سنتی اثری از آن دیده نمی‌شود. گیدنز (1991)، «خود» را یکی از مهم‌ترین محصولات فرایند مدرن شدن می‌داند. درواقع یکی از پیامدهای فرایند گریزناپذیر انتقال از دنیای سنتی به دنیای مدرن، پیدایی «فردیت» و «خود» است. به‌زعم او، «خود»، تصویری بازتابی از خویشتن است. خویشتنی که مسئولیت آن بر عهده‌ی فرد است. به باور وی در دنیای مدرن، فرد برای انجام این مسئولیت، نیازمند اعتماد به راهنمایی و هدایت «نظام‌های تخصصی»^۲ است تا شیوه‌ی مناسب زندگی خود را از میان شیوه‌های مختلف برگزیند و یا از بخش‌های متفاوت شیوه‌های مختلف، ترکیبی خاص خود بسازد.

1. globalization
2. expert systems

به‌طور کلی این گفتمان - چه به‌عنوان یک «نظام تخصصی» و چه با هر تعبیر دیگری- با ارائه‌ی تصویری خاص از جهان، جریان و مناسبات واقعی سیاسی، اجتماعی - اقتصادی را به‌گونه‌ای پنهان یا مخدوش می‌سازد. قوانین تخطی‌ناپذیر هستی بر مبنای قانون جذب و ارتباط مستقیم فرد با جهان، زندگی فردی و غیراجتماعی را با معنا می‌سازند؛ به‌عبارت‌دیگر، از طریق معنابخشی به رابطه‌ی بی‌واسطه‌ی فرد با کائنات و منوط کردن موفقیت و خوشبختی فردی به نوع ارتباط با کائنات، جامعه و هرگونه نهاد و موجودیت فرافردی، مانند نهادهای سیاسی (دولت، مجلس و ...)، قوانین و قواعد اجتماعی، طبقه و جایگاه اجتماعی - که در واقعیت تأثیر تعیین‌کننده‌ای در وضعیت موجود دارند - حذف‌شده و تصویر مورد پسند نظام مبتنی بر اقتصاد بازار ارائه می‌شود که در آن فقط «افراد» بدون علقه‌ها و روابط اجتماعی، در قالب افراد مصرف‌کننده یا نیروی کار فعال در شرکت‌ها، کارخانجات و بنگاه‌های اقتصادی وجود دارند. افرادی که گویی هیچ هدفی جز تعقیب آرزوها و امیال شخصی‌شان ندارند. این تصویر آشکارا به نفع شرکت‌های بزرگ و صاحبان سرمایه است که به مصرف‌کنندگان و نیروی کار نیازی مبرم دارند. به‌این‌ترتیب دغدغه‌ی ایجاد حس شادی و برانگیختن افراد برای جستجوی خوشبختی فردی به ایجاد و بسط نوعی «صنعت شادی» انجامیده است. صنعتی که در خدمت منافع و اهداف اقتصاد بازار است.

در این میان، دادن صفات «مثبت» و «منفی» به انرژی کائنات، احساسات و افکار هم، به این کار می‌آید که به تعقیب اهداف و آرزوها- که آن‌ها را شخصی دانسته و هیچ‌گاه پرسیده نمی‌شود از کجا می‌آیند- سویه‌ای ارزشی دهند. در این گفتمان احساسات انسانی برای رسیدن به اهداف و آرزوها با مثبت و منفی ارزش‌گذاری شده و به‌صورت کارکردی درمی‌آیند. بر این اساس، انسان موظف است تا برای رسیدن به آرزوهایش، احساسات منفی را کنار بگذارد و به‌جایش احساسات مثبت قرار دهد. از سوی دیگر «مثبت اندیشی» نیز تلویحاً به معنی تقویت باور به اصول بنیادین گفتمان خوشبختی مانند پیشرفت فردی و موفقیت‌جویی است. در این گفتمان، اندیشه و تفکر و به دنبال آن، خواستن، کلید موفقیت و خوشبختی دانسته می‌شود و از این رهگذر تلاش می‌شود جنبه‌ای فردی و ذهنی به امور جهان داده و نقش عوامل فرافردی و نهادی پنهان شود.

بحث و نتیجه‌گیری

خوشبختی، و دانش شکل‌گرفته حول آن را می‌توان پدیده‌ی چند دهه‌ی اخیر دانست؛ به‌گونه‌ای که برخی اندیشمندان این پدیده‌ی جدید را با عناوین مختلف و با دلالت‌های کم‌وبیش یکسانی مانند «چرخش خوشبختی»^۱، «علم جدید خوشبختی»، «صنعت شادی»، «گفتمان خوشبختی» و مانند آن نام‌گذاری کرده‌اند؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را یک «گفتمان جدید خوشبختی» دانست. به‌زعم ایشان خوشبختی امروزه به امری کاملاً بازاری برای مصرف‌کنندگان مشتاق بدل گردیده است. آن‌ها بر این امر اتفاق نظر دارند که خوشبختی به‌ویژه در دهه‌های اخیر به موضوعی برای شناخت و امری قابل‌اندازه‌گیری بدل گردیده است که توجه روزافزون دولت‌ها و سیاستمداران را نیز به خود جلب کرده است.

با تحلیل این گفتمان در ایران از خلال بررسی شماره‌های مختلف نشریه‌ی موفقیت به این نتیجه رسیدیم که در این گفتمان به لحاظ هستی‌شناسانه ما با میلیاردها انسان منفرد مواجه‌ایم که همچون مونا‌هایی جدا از هم می‌بایست فارغ از فرهنگ، جامعه، حکومت - و دیگر انواع نهادها و موجودیت‌های فرافردی - از یک‌سو از طریق ذهن و روان خود - که به آن فروکاسته شده‌اند - با انرژی جاری در کائنات در ارتباط باشند؛ از خلال فرایندهای ذهنی، احساسات و افکارشان را با جهان پیرامون خود هماهنگ سازند و از سوی دیگر می‌بایست اراده به تغییر داشته باشند؛ افکار و اندیشه‌های منفی را از ذهنشان بزدایند؛ به‌جای آن‌ها افکار و اندیشه‌های مثبت قرار دهند و برای رسیدن به خواسته‌هایشان رؤیایپردازی کنند؛ تا با کار و تلاش بی‌وقفه، به غایت زندگی خود یعنی به اهداف و آرزوهای شخصی‌شان و همچنین به «حال خوب» یا «آرامش» برسند. به این ترتیب مفاهیمی چون «هدف»، «خود»، «ذهن»، «فکر»، «احساس» و مفاهیمی که با روان انسان مرتبط‌اند، مانند «عزت‌نفس»، «اعتمادبه‌نفس»، «اراده»، «خواست» و نظایر آن از مهم‌ترین و پرکاربردترین مفاهیم در این گفتمان هستند.

در تبیین چرایی رواج این گفتمان در ایران هم نشان دادیم که با سرعت گرفتن فرایند جهانی‌شدن، آزادسازی اقتصادی و تسلط اقتصاد مبتنی بر بازار از یک‌سو و گسترش فرایند مدرنیزاسیون و فرهنگ مدرن در ایران از سوی دیگر، از دهه‌ی ۷۰ به بعد، طبقه‌ی متوسط مصرف‌گرا و فردمحور روز به روز بالیدن گرفت و گفتمان‌هایی که اصول و مبانی خلل‌ناپذیر زندگی و به دنبال آن، معنا و هدف زندگی را به شکل سینه‌به‌سینه به افراد

1. happiness turn

انتقال می‌دادند به تدریج جای خود را به بی‌شمار نظام تخصصی دادند که «خود» فرد می‌بایست با رجوع به آن‌ها و با بازاندیشی مدام ارزش‌ها، باورها و کردارهایش، معنایی برای زندگی‌اش بیابد. یکی از این نظام‌های تخصصی که حرف‌های بسیاری درباره‌ی چیستی جهان، معنا و هدف زندگی دارد، گفتمان خوشبختی است که در عمل، روابط، نهادها و ساختارهای جهان واقعی را به سود فردمحوری مورد نظر اقتصاد بازار آزاد پنهان و مخدوش می‌سازد. این گفتمان، از خلال تکوین و بسط بی‌مهار دانش و تکنیک‌هایی حول خوشبختی و موفقیت، یک «علم خوشبختی» تمام‌عیار و یک «صنعت شادی» عظیم پدید آورده است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان جایگزینی برای چنین ارزش‌ها و باورهای «فردگرایانه» ای یافت که از خلال تقلیل امور به «ذهن» و «روان»، می‌کوشند تا زمینه‌ی اجتماعی وضعیت بشری و همچنین ارزش‌های جمعی را نادیده بگیرند یا کم‌رنگ جلوه دهند؟ پاسخ به چنین پرسشی آسان نیست؛ اما به نظر می‌رسد که با توصیه و ارائه‌ی راهکارهای فوری، نمی‌توان به این مقصود رسید. همان‌طور که نشان دادیم، گفتمان خوشبختی و نظام ارزش‌ها، باورها و کردارهای مرتبط با آن، برخاسته از شرایط اجتماعی - سیاسی، فرهنگی و به‌ویژه اقتصادی منحصربه‌فردی است. شرایطی که به‌مثابه نظم اجتماعی گسترده، به تکوین و گسترش این گفتمان یاری رسانده‌اند. بدین ترتیب زمانی می‌توان از تغییر بنیادین در نظام ارزش‌ها و باورها سخن گفت که این نظم اجتماعی به علل و عوامل گوناگون دچار تغییر شود؛ اما تا آن زمان (و به‌منظور کمک به تحقق آن) می‌توان با تحلیل و بررسی انتقادی مفروضات و اصول بنیادین این گفتمان از خلال سخنرانی، نوشتن مقاله، کتاب، پایان‌نامه و مانند آن، پیامدهای پذیرش نظام ارزشی مرتبط با آن را روشن ساخت. از این‌رو، یکی از اهداف انجام این پژوهش نیز این بوده تا از خلال تحلیل انتقادی آنچه گفتمان خوشبختی می‌نامیم، تصویری کلی از ویژگی‌های آن به‌خصوص در ایران به دست دهد و امید داریم که این پژوهش، بتواند مشوقی باشد برای انجام پژوهش‌های بیشتر در این زمینه و ارائه‌ی تصویری کامل‌تر و جامع‌تر از این گفتمان.

تشکر و سپاسگزاری

در اینجا لازم می‌دانیم تا مراتب سپاس و قدردانی خود را از تمام کسانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، اعلام داریم.

References

- Ahmed, S. (2010). *The Promise of Happiness*. Duke University Press.
- Alitalab, M. (2019). *The Best-Selling Books of 2018* [in Persian]. <https://www.digikala.com/mag/%d9%be%d8%b1%d9%81%d8%b1%d9%88%d8%b4-%d8%aa%d8%b1%db%8c%d9%86-%da%a9%d8%aa%d8%a7%d8%a8-%d9%87%d8%a7%db%8c-97/>
- Amini, S. (2019). *We Iranians Feelling happiness* [in Persian]. In Zokaei, M. (Ed.). *Emotions In Iranian Society and Culture*. Tehran: Agah Publication.
- Binkley, S. (2011). *Happiness, Positive Psychology and The Program of Neoliberal Governmentality*. *Subjectivity* 4(4): 371-394.
- Davis, W. (2018). *Happiness Industry*. Translated into Persian By Azam Varshochi Fard. Tehran: Pāreseh Publication.
- Ghorbankhanlu, Z. (2004, January). *Let us all be happy together*. *Success*. 64: 12.
- Giddens, A. (1991). *Modernity and Self-Identity. Self and Society in the Late Modern Age*. Translated into Persian By Naser Movaffaghian. Tehran: Ney Publication.
- Haddad Ashrafi, SH. (2004, March). *New year*.*Success*. 67: 9.
- Harvey, D. (2005). *A Brief History of Neoliberalism*. Translated into Persian By Mahmud Abdollāhzāde. Tehran: Khtaran Publication.
- Heidari, J. (2004, January). *Miraculous Sentences for This Month*. *Success*. 64: 35.
- Hellat, A. (2003, September). *Editorial*. *Success*. 60: 2.
- (2004, July). *Editorial*. *Success*. 71: 2.
- (2008, September). *Practical Application of the Law of Attraction in Life: Dream as Much as You Can*. *Success*. 151: 62-63.
- (2010, March). *The Law of Attraction and the Secret Film Taken From Our Own Culture!* (Interview With Ahmad Hallat). *Success*. 185: 20-22.
- (2017, April). *The Third Way: Newton's Third Law in Success*. *Success*. 349: 16-17.
- Kandogan, Y., & Johnson, S. D. (2016). *Role of Economic and Political Freedom in the Emergence of Global Middle Class*. *International Business Review*. 25(3): 711-725.
- Moazzami, M. (2005, September). *Love Yourself: Interview With Mahmoud Moazami, the Founder of Kamal School* [in Persian]. *Success*. 84: 90-91.
- Mohebbi, S. (2020). *The Best-Selling Books of 2019* [in Persian]. <https://taaghche.com/blog/1398/12/28/%D9%BE%D8%B1%D9%81>

%D8%B1%D9%88%D8%B4-
%D8%AA%D8%B1%DB%8C%D9%86-
%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-
%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DB%B9%DB%B8/

- Nayebi, H. (2001). *A Study in Social Psychology, Measuring the Level of Happiness of Heads of Tehran Households* [in Persian]. M.A Dissertation. Faculty of Social Sciences. Tehran University.
- Rose, N. (1996). *Inventing Our Selves: Psychology, Power, and Personhood*. United Kingdom: Cambridge University Press.
- Saghafi, S. (2004, May). *Happiness is Here! Look!* Success. 68: 3.
- Taheri, A. (2018). *Designing and Evaluating the Effectiveness of a School-Based Positive Psychology Intervention Model on the Academic Welfare of High School Students* [in Persian]. PhD Dissertation. Faculty of Educational Sciences. Tabriz University.
- Talebi Darabi, B. (2012). *New Sectarianism in Iran. PhD Dissertation. Faculty of Social Sciences* [in Persian]. Allameh Tabatabaei University.
- Valeei Abarghouei A. (2014). *Critical Review of the Epistemological and Scientific Methodology of Cosmic Mysticism* [in Persian]. M.A Dissertation in Theoretical Mysticism. Islamic Teaching University.
- Yaghubpur Yekani, N. (2003, September). *Take a Step*. Success. 61: 42-43.
- Yasaei, M. (2004, January). *The law of influence of thought and speech*. Success. 64: 21.